

خواجه نظام الملک طوسی

گفتار در تداوم فرهنگ ایران

جواد طباطبائی

سرشناسه: طباطبایی، جواد، ۱۳۲۴-
عنوان قراردادی: سیاستنامه، شرح
عنوان و نام پدیدآور: خواجه نظام الملک طوسی: گفتار در تداوم فرهنگی ایران / جواد طباطبایی.
مشخصات نشر: تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص.
فروست: مجموعه آثار؛ ۴.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۰-۴۰-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
یادداشت: نمایه.

موضوع: نظام الملک، حسن بن علی، ۴۰۸-۴۸۵ ق-- نقد و تفسیر
موضوع: نظام الملک، حسن بن علی، ۴۰۸-۴۸۵ ق. سیاست نامه-- نقد و تفسیر
موضوع: علوم سیاسی -- ایران -- تاریخ / موضوع: کشورداری / موضوع: پادشاهی
شناسه افزوده: نظام الملک، حسن بن علی، ۴۰۸-۴۸۵ ق.. سیاست نامه. شرح
رده بندی کنگره: ۹۰۱۶۱۳۹۲ س ۹۰۶/ن ۴۹/ج ۴۹
رده بندی دیویی: ۳۲۰/۱
شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۸۰۷۵۹



انتشارات مینوی خرد

خواجه نظام الملک طوسی
گفتار در تداوم فرهنگی ایران
جواد طباطبایی

طرح جلد: مهران زمانی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ راس
۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

چاپ اول ۱۳۹۲

حقوق چاپ و نشر محفوظ است

انتشارات مینوی خرد، بلوار میرداماد، خیابان شاه نظری

خیابان دوم، شماره ۲۲، واحد ۲۲

تلفن: ۲۲۹۲۲۰۱۱ و ۲۲۲۵۶۹۴۳ و ۲۲۲۵۷۷۱۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۰-۴۰-۶

www.minooyekherad.com

فهرست مطالب

فصل اول: سوانح احوال خواجه نظام الملک و وضع زمانه او	۱۱
فصل دوم: اندیشه ایرانشهری و تداوم فرهنگ ایران زمین	۷۹
فصل سوم: سیاستنامه در تاریخ اندیشه سیاسی ایران	۱۲۹
خاتمه: بررسی مرصعات پایانی	۱۹۹
کتابنامه	۲۲۷
نمایه ها	۲۴۳

درآمد

این دفتر رساله کوتاهی درباره برخی از وجوه تاریخ اندیشه سیاسی ایران در دوره اسلامی با تأکیدی بر اندیشه و عمل خواجه نظام الملک طوسی است. نگاشته این سطور، دهه‌ای پیش از انتشار ویراست نخست این دفتر، این بررسی با رساله دیگری با عنوان درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران آغاز کرد. در این جای‌های همان دفتر به برخی از مسائلی که در این جابسط داده شده، اشاراتی گردید. در واقع، این دفتر نظریه بنیادین آن رساله را درباره جریان عمل اندیشه سیاسی ایران در دوره اسلامی دنبال می‌کند. این جریان را در آن دفتر با سه پایه سیاسی خوانده و گفته بودیم که خواجه نظام الملک را باید پرآوازه‌ترین نماینده آن در دوره اسلامی دانست. در فصل دوم همان رساله نیز درباره خواجه و نوشته او سیرالملوک که در عرف اهل ادب معاصر بیشتر سیاستنامه خوانده می‌شود، مباحثی آمده بود، اما در این جا کوشش شده است بدون تکرار آن توضیحات به وجوه دیگری از سوانح احوال خواجه و سیاستنامه او اشاره کنیم و در، این باره‌ها، هدف بررسی معنای سوانح احوال خواجه نظام الملک طوسی برای تاریخ ایران و جایگاه سیاستنامه او در تاریخ اندیشه سیاسی در ایران است. در این باره، نگارنده کوشش کرده است دستاوردهای پژوهش درباره سوانح احوال خواجه و بررسی رساله او را به تاریخ اندیشه در ایران بسط دهد. افزون بر این، در این دفتر، نظریه‌ای درباره تداوم ایران زمین از نظر تاریخی و تاریخ اندیشه مطرح و برخی از وجوه آن نظریه به اجمال و در صفحات محدود

این دفتر بسط داده شده است. کوشش برای نظریه پردازی دربارهٔ دگرگونی‌های تاریخ و تاریخ اندیشه در ایران کاری نیست که بتوان از سر بازچه انجام داد. طشت تاریخ نویسی کهن ایرانی دیری است تا از بام افتاده است و بنیان تاریخ نویسی «جدید» ایرانی نیز سست تر از آن است که بتوان بنایی استوار بر روی آن ساخت. اندیشهٔ تاریخی نیز مانند اندیشه در ایران در تحول خود، پس از جهشی در نخستین سده‌های اسلامی، به زوال میل کرده و آن طرح پرسش‌های تقدیر تاریخی ایران زمین را از دست داده است. و از آن رو، بررسی همه‌سویهٔ تاریخ عمومی ایران در شرایط کنونی ممکن نیست. کاردهٔ این دفتر بر آن است که بررسی‌های موردی در قلمرو تاریخ و تاریخ اندیشه در ایران امری ناگزیر است و تا فراهم آمدن مقدمات تدوین تاریخ عمومی ایران در درازی در پیش داریم. در رسالهٔ زوال اندیشهٔ سیاسی در ایران، در بررسی زوال فلسفهٔ سیاسی، بر پایهٔ پژوهش‌هایی در تاریخ و تاریخ اندیشه در نخستین سده‌های دورهٔ اسلامی، گفته بودیم که با چیرگی غلامان ترک بر ایران زمین و با یورش مغولان عصر زرین فرهنگ ایران به پایان رسید و وضعی ایجاد شد که در آن به زوال اندیشه در نظر و انحطاط تاریخی در عمل تعبیر کردیم. بررسی زوال اندیشه و نتایج آن را باید هم چون دیباچه‌ای بر این دفتر تلقی کرد، زیرا اندیشهٔ فلسفی بنیاد و شالودهٔ هر تمدن و تأمل نظری در آن است و تاریخ نویسی نیز به عنوان تأملی در تحول تاریخی یک قوم، اگر بر شالودهٔ اندیشه‌ی فلسفی استوار نشده باشد، در افسانه پردازی و خیال بافی سقوط خواهد کرد، چنانکه تقدیر تاریخ نویسی در دورهٔ متأخر تاریخ ایران جز این نبوده است.

تاریخ تاریخ نویسی در ایران نیز از بسیاری جهات منحنی زوال اندیشه در ایران را دنبال کرده و مانند تاریخ اندیشه عصر زرین و دورهٔ زوال خاص

خود را داشته است. اندیشه تاریخی هم زمان با دوره‌ای که به دنبال انتقال نوشته‌های یونانی به دوره اسلامی نمایندگان خردگرای فرهنگ ایران بسطی نوبه فلسفه یونانی می‌دادند، تدوین شد و تاریخ‌نویسان بزرگی مانند محمد بن جریر طبری، ابوالحسن مسعودی، ابوعلی مسکویه رازی و ابوالفضل بیهقی در کنار فیلسوفانی مانند ابونصر فارابی، ابوالحسن عامری سابوری و ابوعلی سینا به تاریخ‌نویسی پرداختند. در این نخستین سده‌های دوره اسلامی ایران، اندیشه عقلانی ناشی از ترکیب علوم اوایل یونانی و فرزانه‌های ایرانی به نوبه‌ای در همه وجوه فرهنگ ایرانی جاری بود، چنان‌که به عنوان مثال، در آغاز سده پنجم، ابوعلی مسکویه رازی در تاریخ‌نویسی و حکمت عقلی، ابن سینا در فلسفه و طب، ابوالقاسم فردوسی در خردنامه سراسری و تاریخ‌نویسی و بیرونی در هیأت، ریاضیات و ملل و نحل و شیخ مفید در کلام و علوم شریعت زاده شدند، اما بازوال اندیشه عقلانی، تاریخ‌نویسی نیز مانند همه وجوه دیگر فرهنگ ایران زمین دستخوش انحطاط جدی شد و پس از آن‌که در سنین شعله‌ور مشعل فرهنگ ایرانی در برابر تندباد یورش مغولان خاموش شد، تاریخ‌نویسی خردمندانه نیز در تحول آتی خود در هاویه ناسخ‌التواریخ هبوط کرده و تاریخ - که یکی از مهم‌ترین نشانه‌های انحطاط ایران است - نه مکان تکوین آگاهی «ملی» ایرانیان بود و تأملی در تقدیر تاریخی ایران زمین، و بدیهی نیست که به این طریق هیچ‌یک از پرسش‌های تاریخ ایران را نیز نداشت. فقدان اندیشه تاریخی عقلانی در ایران در سده‌های متأخر دوره اسلامی بویژه با ظهور مغولان که همه عناصر فرهنگی بازمانده از عصر زرین فرهنگ ایران را از میان برد، موجب شد که تاریخ‌نویسی نتواند مکان تکوین آگاهی «ملی» ایرانیان باشد و چنان‌که ابوالفضل بیهقی، در آغاز دوره‌ای پر مخاطره برای

تاریخ ایران، گفته بود، افسانه پردازی برای در خواب کردن بود و نه «تاریخ بیداری». این تاریخ‌نویسی به طور کلی با توجه به درک کهنی که از آن وجود داشت، از دانش‌های ادبی به شمار می‌آمد و حتی تا دهه‌های اخیر تاریخ‌دانی سنتی در ایران به حفظ و قرائت متن‌های تاریخی محدود می‌شد، اما با آشنایی اجمالی که با آغاز دوران جدید تاریخ ایران با اندیشه تاریخی جدید غربی حاصل شد، تاریخ‌نویسی نیز مانند اندیشه فلسفی و به تبع آن سبب تقلید و افتاد و تاریخ‌نویسان ایرانی که، در بهترین حالت، مقولان ایران‌شناسان بودند، مقولات و مفاهیم تاریخ غربی را به تاریخ ایران ترجمه کردند. تاریخ، به عنوان مکان آگاهی «ملّی»، جزیر شالوده‌مبانی نظامی و اقتصادی و اندیشه‌ای خردگرای استوار نمی‌شود؛ از این رو، تجدید تاریخ‌نویسی در ایران نیازمند تجدید اندیشه فلسفی و، بنابراین، رویکردی فلسفی به تاریخ ایران است تا بتوان مقولات و مفاهیم تاریخ ایران را تدوین کرد. این امر، به نوبت امکان‌پذیر خواهد شد که بتوان با برهم زدن وضع کنونی تقابل از بن‌بست تعطیل اندیشه عقلی خارج شد.

در صفحات اندک این رساله کوتاه، نتواند، این‌طور کوشیده است، در ادامه پژوهش‌هایی که از دهه‌ها پیش آغاز گردید به مفهوم تداوم تاریخی و فرهنگی را به عنوان یکی از مفاهیم تاریخ ایران به طرح کند و از مجرای آن سوانح احوال خواجه و مقام سیاست‌نامه‌آور در تاریخ‌اندیشه در ایران مورد بررسی قرار دهد. از بررسی تاریخ و تاریخ‌اندیشه در ایران می‌توان دریافت که تاریخ ایران از دوره باستانی آن تا سده اخیر از ورای گسست‌هایی که در آغاز دوره اسلامی و از آن پس با چیرگی ترکان بر ایران زمین و یورش مغولان تا فراهم آمدن مقدمات جنبش

مشروطه‌خواهی ایجاد شد، تداوم خود را حفظ کرده و جوهر تاریخی و فرهنگی آن استوار و ثابت مانده است. در دو سده گذشته، نخست، تاریخ‌نویسان اروپایی به این نکته التفات پیدا کردند و از آن پس نیز در برخی از نوشته‌های تاریخی، بویژه در بررسی‌هایی از تاریخ ایران - که با پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی در ایران انجام شده و به طور عمده تحت تأثیر اندیشه «ملی‌گرایی» جدید قرار داشته است - اشاراتی به تداوم تاریخی فرهنگ ایران تکرار شد، اما آن‌چه در کاربرد این مفهوم اهمیت دارد آن است که آن را به عنوان مکمل مفهوم زوال اندیشه و انحطاط تاریخی ایران به کار گیریم. پیش از این، در زوال اندیشه سیاسی در ایران گفته بودیم که زوال اندیشه معنای می‌آورد، اما در تبیین انحطاط تاریخی ایران است و در این رساله نیز به تکمیل این بحث کوشش می‌کنیم مفاهیم تداوم، زوال و انحطاط را به عنوان مفاهیم نوینی به کار گیریم و پرتوی بر «تداوم در زوال اندیشه و انحطاط تاریخی» اندازیم بیفکنیم. چنان‌که پیش از این اشاره شد، در وضع کنونی پژوهش‌های ایرانی، تدوین تاریخ عمومی ایران زمین ممکن نیست؛ یگانه کوشش نمایان در تاریخ‌نویسی در ایران تدوین تاریخ ادب ایران است که بویژه با پایان عمر ویران فرهنگ ایران اساسی‌ترین فعالیت فکری و فرهنگی ایرانیان به شمار می‌رود. به نظر نمی‌رسد که در شرایط کنونی ... بتوان در قلمرو تاریخ اندیشه در ایران به پژوهشی جدی پرداخت و ناچار باید تا فراهم آمدن مواد لازم در این شرف زوایای مهم تاریخ و تاریخ اندیشه در ایران به بررسی‌های مبرهنه بسنده کرد. برای طرح مفهوم «تداول در زوال اندیشه و انحطاط تاریخی» ایران زمین و بسط برخی از وجوه آن، در این دفتر برخی از نتایج زوال اندیشه سیاسی در ایران به مورد سیاست‌نامه‌نویسی تعمیم داده شده است.

خواجه نظام الملک طوسی در دوره‌ای حساس از تاریخ ایران با وزارت خود که نزدیک به سه دهه طول کشید، نقشی تعیین کننده در تداوم فرهنگی ایفاء کرد. در این دوره مقدمات وحدت سرزمینی ایران زمین که با فروپاشی شاهنشاهی ساسانیان به ملوک طوایف تبدیل شده بود، ممکن شد و قفس ایران بار دیگر از خاکستر خود سر برآورد. سیاستنامه خواجه بیانیۀ سیاسی پراهمیت این وحدت و بیانیۀ نظری و عملی آن بود و هدف آن تحدید اختتامی کهن فرمانروایی ایران شهری در دورۀ اسلامی و چیرگی غلات آن است. به این اعتبار، عمل خواجه و نوشته او را باید از عمده ترین ارکان تداوم نظری و عملی تاریخ و تاریخ اندیشۀ ایران زمین به شمار آورد.

این اشاره را نباید بجز مفهوم «تداول در زوال اندیشه و انحطاط تاریخی» بیفزاییم که بر حسب معمول گفته اند که تاریخ و فرهنگ ایران زمین، به خلاف بسیاری از نواحی دیگر که در دوره‌ای از تحول تاریخی و فرهنگی خود دستخوش سست و دگرگونی بنیادین شده اند، تداومی شگفت انگیز داشته است، اما این نکته را نباید دور مانده است که مفهوم تداوم تاریخی و فرهنگی ایران رومی در صورتی می تواند با واقعیت های تاریخ و تاریخ اندیشه در ایران سازگار باشد، در پیوند با زوال اندیشه و انحطاط تاریخی مورد توجه و بررسی قرار گیرد به دیگر سخن، ... تأکید بر تداوم نباید ما را از پرداختن به این وجه دیگر تاریخ و فرهنگ ایران زمین باز دارد. خروج از این وضع نیز چنان که در زوال اندیشه سیاسی در ایران گفته ایم، جز با تدوین نظریه‌ای درباره انحطاط ایران زمین ممکن نخواهد شد و این جا، با توجه به ملاحظات که بر آن بحث پیشین افزوده ایم، می توان گفت که طرح مفهوم «تداوم در زوال اندیشه و انحطاط

تاریخی» ایران زمین و بسط آن شرط لازم و ضروری فهم تاریخ و تاریخ اندیشه در ایران زمین و امکان خروج از بن‌بست کنونی است. سخن آخر این‌که چنان‌که گذشت، در وضع کنونی، تنها می‌توان برخی از وجوه تاریخ عمومی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران زمین را توضیح داد و بدیهی است که روشن کردن همه جوانب آن امکان‌پذیر نیست. این رساله کوتاه تنها به طرح کردن مفهوم «تداوم در زوال اندیشه و انحطاط تاریخی» ایران زمین بسنده خواهد کرد. دو، لاجرم، زوایای بسیاری، به سبب ناتوانی نگارنده در تعمیم طریقه‌نمود به فرضیه‌ای فراگیر، هم‌چنان در پرده ابهام خواهد ماند. اشاره‌های جمعی در این دفتر را باید در فرصتی دیگر بسط داد، اما برای این‌که خواننده علاقه‌مند بتواند راهی را که نگارنده پیموده دنبال کند، کوشش شده است مشخصات کتابشناختی عمده منابع بررسی در یادداشت‌ها آورده شود. در واقع، این مختصر باید دیباچه‌ای بر پژوهشی آینده درباره یک نظریه عمومی در تاریخ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران زمین دانست، اما با کمال تأسف نویسنده این نمی‌توانسته است از طرح برخی از وجوه مفهوم «تداوم در زوال و انحطاط» ایران زمین فراتر رود.